

بزرگترین مانع تدوین علوم انسانی اسلامی

حجت الاسلام صدوقی گفت: مانع بزرگی که در مسیر تدوین علوم انسانی اسلامی داریم این است که اندیشمندانی که می‌خواهند منابع علوم انسانی را متحول کنند، خود محصول آموزه های علوم انسانی رایج اند.



حجت الاسلام صدوقی گفت: مانع بزرگی که در مسیر تدوین علوم انسانی اسلامی داریم این است که اندیشمندانی که می‌خواهند منابع علوم انسانی را متحول کنند، خود محصول آموزه های علوم انسانی رایج اند.

به گزارش خبرنگار مهر، حجت الاسلام علی صدوقی، محقق و مؤلف و پژوهشگر عرصه تحول در علوم انسانی و مشاور آموزشی و تربیتی مرکز تخصص مهدویت حوزه علمیه قم درباره ضرورت تحول در علوم انسانی گفت: اگر جامعه اسلامی، صرفاً ضایعات و آلودگی های علوم انسانی موجود را بردارد و آن مقداری را که با مفاهیم اسلامی منطبق است را حفظ نماید، قطعاً این رویکرد باعث استغنائی ما نخواهد بود و در پروسه تحول در علوم انسانی به نقاط مطلوبی نخواهیم رسید.

وی اظهار داشت: این شیوه رویکردی بود که در ابتدای فعالیت شورای عالی انقلاب فرهنگی و در ابتدای دهه شصت و زمانی که دانشگاه ها فعالیت نداشتند، وجود داشت و نیت این بود که محتوای کتاب های دانشگاهی متحول شوند. در آن زمان و در شورای عالی انقلاب فرهنگی، دو موضوع در حال بحث و تحلیل بود؛ نظریه ابتدایی این بود که تمامی کتاب های دانشگاهی و آموزشی، کنار گذاشته شوند و منابع درست و صحیح را، خود جامعه اسلامی تهیه نماید و در اختیار دانشگاهیان قرار دهد. نظریه دیگر این بود که اساساً، چه نیازی است که ما این کار را انجام دهیم. بخشی از شورا معتقد بودند اصولاً نیازی به این امر نیست؛ آن عده معتقد بودند، با دوباره خوانی کتاب ها و منابع، می شود آن بخشهایی که با اصول اسلامی و دینی هماهنگ نیستند را جدا کرد و بقیه مطالب را با ادغام با مبانی اسلامی، در اختیار دانش پژوهان قرار داد. این شیوه غافل از این نکته لحاظ شد که روح حاکم بر منابع آموزشی، دارای هویت غیر دینی است. چگونه می شود با حذف چند کلمه و یا جمله و در عوض جایگزینی چند کلمه و یا سطر، مشکلات و معضلات علوم غیر دینی را برطرف نمود؟

اگر جامعه اسلامی، صرفاً ضایعات و آلودگی های علوم انسانی موجود را بردارد و آن مقداری را که با مفاهیم اسلامی منطبق است را حفظ نماید، قطعاً این رویکرد باعث استغنائی ما نخواهد بود و در پروسه تحول در علوم انسانی به نقاط مطلوبی نخواهیم رسید

وی تأکید کرد: اگر جامعه اسلامی می خواهد در مسیر تحول در علوم انسانی و دست یابی به علوم انسانی اسلامی حرکت نماید و نیز اهتمام دارد که در این مسیر، کار جدی و اساسی صورت گیرد، لازمه اش این است که اولاً بدانیم که چه هدف و خواسته ای داریم و ثانیاً اینکه، با مرور بر گنج و منابع موجود و بررسی آنها دریابیم که این منابع آیا، بر اساس اهداف و برنامه ها و خواسته های نظام اسلامی تألیف شده اند یا خیر. اگر اینگونه تألیف شده اند که جای بحث و مجادله ای نخواهد بود، ولی اگر با اصول و اهداف جامعه اسلامی، هماهنگ نبودند، می بایست این منابع از بستر جامعه علمی و دانشگاهی کنار گذاشته شوند. در این رویکرد، بعد از حذف منابع غیر مرتبط با اهداف نظام اسلامی، می بایست با شجاعت اعلام نمائیم که نیاز جامعه به دوباره نویسی منابع علمی و آموزشی، یک نیاز اساسی و مبرم است.

وی در ادامه گفت: بحث دیگر این است که چگونه می توان در تعاملات فرهنگی و بین المللی، شاخصه ها و دست آورده ای دینی را وارد مختصات علمی جهان کرد. در این باب نیز می بایست گفت این رویکرد زمانی محقق خواهد شد که کسانی که مسئول ارائه و پردازش این نکات در عرصه بین المللی هستند، خود التزام حقیقی و عملی به این دست آوردها داشته باشند. این مسأله باعث خواهد شد در عرصه تعاملی و فرهنگی بین المللی، قدرت دفاعی آنها برای تثبیت باورهایشان افزایش پیدا نماید. به طور مثال اگر بنده به عنوان یک دیپلمات، وارد عرصه تبادلات و گفتگوهای بین المللی شوم و پیرامون گفتگو و تفاهم بر سر قراردادهای و یا تعاملات فرهنگی، مذاکره نمایم، ولی به اصول و قواعد ارائه شده توسط خودم، پایبند نباشم، این امر باعث استحاله من در عرصه تبادلات فرهنگی خواهد شد و این رویه باعث برخورد انفعالی و تدافعی در عرصه دیپلماسی خواهد بود، لذا برخورد پُر تحرک و پُر شتاب در عرصه دیپلماسی، التزام و اعتقاد به مبانی ارائه شده را می طلبد. در پاسخ به این سوالات مطرح شده، نظر بنده این است که ابتدا ما می بایست، نسبت به فرهنگ ملی و دینی خود شناخت پیدا نمائیم و سپس با افزایش قدرت دفاعی، وارد عرصه تعاملات و

وی تصریح کرد: اصولاً اعتقاد به مراودات و تعاملات فرهنگی امری لازم و ضروری است، جامعه اسلامی بنا ندارد با جدا شدن از عرصه فرهنگی و علمی جهان، همانند جزیره ای منفک از دنیا، گذران امور نماید. ما می خواهیم فعالیت جهانی داشته باشیم و این فعالیت جهانی، مستلزم دیپلماسی قوی خواهد بود. نکته مهم در این باره که نمی بایست فراموش شود این است که، قدرت دیپلماسی جامعه اسلامی بتواند عرصه تبادلات علمی و فرهنگی جهان را مدیریت نماید.

وی افزود: این نکته که ما بتوانیم روابط بین المللی را مدیریت نمائیم، اصل بسیار مهمی است و لازمه دست یابی به این مرتبه نیز، اشراف صحیح و دقیق، نسبت به فرهنگ ملی و دینی است. اگر این فرهنگ و منش را با تمام وجود باور داشته باشیم، می توانیم در عرصه جهانی اثرگذار باشیم. بحث تحول در علوم انسانی و دست یابی به علوم انسانی اسلامی، یک بحث و رویکرد درونی جامعه اسلامی است و جامعه اسلامی می بایست در درون خود به یک توافق و همدلی جمعی دست یابد.

اگر علوم انسانی رایج در رساندن جامعه اسلامی به اهداف عالی خود ناتوان است، می بایست با شجاعت تمام، اجرای کامل طرح تحول در علوم انسانی، پیاده سازی و اجرا شود

حجت الاسلام صدوقی اظهار داشت: جامعه اسلامی باید به این نتیجه برسد که آیا علوم انسانی رایج، می تواند مسیر رسیدن جامعه را به باورهای اصیل اسلامی هموار نماید یا خیر؟ اگر این علوم در رساندن جامعه اسلامی به اهداف عالی خود ناتوان است، می بایست با شجاعت تمام، اجرای کامل طرح تحول در علوم انسانی، پیاده سازی و اجرا شود.

این پژوهشگر علوم انسانی گفت: اینکه هر بار جامعه به سمت و سویی برود و بخواهد با پردازش های گوناگون، طرح تحول در علوم انسانی را نقد و تحلیل نماید، امر مناسب و درخور توجهی نیست. اگر ما به این نتیجه رسیده ایم که علوم انسانی موجود، فاقد کارایی و اثرگذاری است، می بایست با اهتمام و جدیت فراوان و استفاده از تمامی ظرفیت ها، اعم از ظرفیت های موجود در حوزه و دانشگاه، در مسیر اسلامی سازی علوم انسانی، گام برداریم.

وی با بیان اینکه در حال حاضر ما یک مانع بسیار بزرگی در مسیر تدوین علوم انسانی اسلامی داریم، گفت: این مانع بزرگ این است که کارشناسان و اندیشمندانی که می خواهند منابع و آموزه های علوم انسانی را به سمت و سوی اسلام و مبانی الهی آن ببرند، خود محصول و خروجی همین آموزه های رایج و متداول علوم انسانی موجود هستند. این اندیشمندان، دارای باورهایی هستند که توسط علوم انسانی رایج، به ما تحمیل شده است. این در حالی است که کسی می تواند در حوزه علوم انسانی اسلامی، تألیف و تحقیق و ارائه مطلب نماید که با تمام وجودش مختصات دینی را دریافت کرده باشد و این مبانی را پذیرفته باشد. در این مسیر نمی بایست اسلام را به عنوان یکی از راه های رسیدن به سعادت لحاظ کرد؛ بلکه می بایست التزام داشت به اینکه که تنها راه و مسیر سعادت، استفاده از تعالیم اسلامی است. اگر ما بگوییم که نظریه های متفاوتی برای رسیدن به کمال و سعادت وجود دارد و یکی از این مسیرها نیز، باورها و تعالیم اسلامی هستند، این رویکرد قطعاً، برداشت و طرحی نادرست است.

مانع بزرگی که در مسیر تدوین علوم انسانی اسلامی داریم این است که کارشناسان و اندیشمندانی که می خواهند منابع و آموزه های علوم انسانی را به سمت و سوی اسلام و مبانی الهی آن ببرند، خود محصول و خروجی همین آموزه های رایج و متداول علوم انسانی موجود هستند

حجت الاسلام علی صدوقی ادامه داد: ما می بایست اسلام و تعالیم آن را به عنوان نافذترین و دقیق ترین و محکم ترین معبر رسیدن به سعادت و سلامت لحاظ نمائیم. آیا افراد و کارشناسانی که هم اکنون در حال تهیه و تدوین مبانی و شاخصه های طرح تحول در علوم انسانی هستند، واقعاً به این نکته، باور و التزام دارند؟ این یک سوال استراتژیک و بسیار کاربردی در بحث تحول در علوم انسانی است. سوال دیگر در این مسیر این است که آیا دوستان و اندیشمندان ما، می خواهند علوم انسانی متداول را مینا قرار بدهند و فقط در مسیر جهت دهی این علوم به سمت و سوی اسلام گام بردارند که باز می بایست بیان کرد این نکته هم یک خطای بارز و آشکار است.

وی با بیان اینکه اولین گام در مسیر طرح تحول در علوم انسانی، تغییر ماهیت منابع و کتاب های علوم انسانی موجود است، گفت: مگر می شود با عطر و پیرایه، آلودگی ها و پسماندها را دگرگون کرد و از این پسماندها، بهره نیز جست؟ آلودگی ها و ضایعات و پسماندها، با عطر و مواد معطر و پیرایه، خوشبو و قابل استفاده نخواهند شد! بله، امکان دارد برای کوتاه مدت، از اشاعه آلودگی و یا تکثیر بوی نامطبوع آنها جلوگیری کرد، ولی این امر موقتی خواهد بود و دوباره بوی

نامطبوع آن استنشاق خواهد شد.

وی تصریح کرد: در مسیر دست یابی به علوم انسانی اسلامی، می بایست ماهیت منابع و کتاب های موجود دگرگون و متحول شوند. این امر با استفاده از یک «بسم الله الرحمن الرحيم» در ابتدای کتاب ها حاصل نخواهد شد؛ می بایست ماهیت و محتوای کتاب ها تغییر یابند. در مقطعی «انتشارات سمت» کتاب هایی را تکثیر می نمود و شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز با توجه به ذکر «بسم الله الرحمن الرحيم» در ابتدای این کتاب ها، تولیدات این انتشارات را در راستای تحقق علوم انسانی اسلامی، معرفی می نمود، ولی با مطالعه و تحقیق در این کتاب ها، دیده می شد که هیچیک از مسائل مطرح شده در این منابع، با اصول حیات بخش اسلامی همخوانی ندارند. بنابراین می بایست ماهیتاً در جهت تحول در منابع و آموزه های علوم انسانی متداول، حرکت کنیم.

در مسیر دست یابی به علوم انسانی اسلامی، می بایست ماهیت منابع و کتاب های موجود دگرگون و متحول شوند، این امر با استفاده از یک «بسم الله الرحمن الرحيم» در ابتدای کتاب ها حاصل نخواهد شد

صدوقی گفت: یکی از نویسندگان مطرح و صاحب نام در حوزه تعلیم و تربیت، زمانی که می خواستند از مسئله علوم انسانی صحبت نمایند، می گفتند که نمی بایست به این علوم، علوم انسانی گفته شود، بلکه می بایست به این شاخه و رشته، «علوم انسانیتی» گفته شود. علوم انسانی، یعنی تراوشات ذهن انسان ها در گذر آزمایشات و آزمون و خطاها؛ این آزمون ها در نهایت منتج می شود به یک نظریه جدید در حوزه نظریه پردازی، اما اگر ما معتقد باشیم که علوم انسانی می بایست انسانیت انسان را کشف و مکاشفه نماید، این امر متصل خواهد شد به فطرت و زمانی که این رویکرد، با فطرت اتصال پیدا نماید، آن زمان است که فطرت را کسی نمی تواند تحلیل و پردازش نماید، جز کسی که فطرت را خلق کرده باشد.

وی در پایان گفت: در این مقام است که وحی وارد عمل خواهد شد. لذا اگر علوم انسانی را خارج از چارچوب های وحیانی و دستورات خداوند در نظر بگیریم، ما دچار خطای فاحشی شده ایم و این خطا، اشتباه دوباره ای خواهد بود. یک بار در ابتدای کار شورای عالی انقلاب فرهنگی و این بار در حال حاضر و با توجه به اشتباهات گذشته.